

بررسی مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت

در اندیشه شهید مطهری*

□ زاهد غفاری هاشجین ۱

□ سعید قربانی ۲

□ محمد رحیمیان ۳

چکیده

یکی از پشتوانه‌ها و ذخایر غنی فرهنگ جامعه ما، فرهنگ ایثار و شهادت است که از نسیم روح بخش اسلام در جامعه جاری شده است. این فرهنگ، از ویژگی‌های مهم مکتب تشیع و ضامن بقا و تداوم اسلام اصیل است. برای شکل‌گیری این فرهنگ ناب در جوامع، نیاز به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که بدون آن‌ها نباید انتظار داشت که چنین فرهنگ نابی در جوامع اسلامی شکل گیرد. در مقاله حاضر، نویسنده درصدد است به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مؤلفه‌ها و شاخص‌های شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت در جوامع اسلامی از منظر شهید مطهری کدامند؟ برای شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، مؤلفه‌ها و شاخص‌های گسترده‌ای قابل‌تصور است. با وجود این مؤلفه‌ها،

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۹.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد

۲. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

shahadat10425@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

mbrahimian1370@yahoo.com

پژوهش حاضر درصدد است که با استفاده از روش اسنادی و مدل محقق ساخته برای فرهنگ ایثار و شهادت، مواردی از آن‌ها را با استناد به بیانات شهید مطهری مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد برای شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، باید مؤلفه‌هایی چون مردم‌داری، عزت‌نفس، خدامحوری، عدم تعلق به دنیا و عمل صالح و شاخص‌های آن‌ها تقویت شوند. **واژگان کلیدی:** شهادت، ایثار، فرهنگ سیاسی تشیع، اصول دین، شهید مطهری.

مقدمه

ایثار و شهادت دو محور اساسی در فرهنگ اسلامی است و آنچه باعث بقای اسلام و نظام اسلامی می‌شود، فرهنگ ایثار و شهادت است. بر اساس این دو محور است که اسلام بر روی پایه‌های خود ایستاده و در قبال هر طوفانی ایستادگی می‌کند. در نگاهی واقع‌بینانه به تاریخ حیات اجتماعی بشر و تحلیلی منطقی از حوادث و وقایع اجتماعی می‌توان به شواهدی استناد نمود که گزاره مذکور را حمایت کند. مقاومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش در شعب ابی‌طالب، پیروزی خون بر شمشیر در حادثه عاشورا، ظفرمندی لشکر اسلام در هشت سال دفاع مقدس، پیروزی حزب‌الله در جنگ نابرابر ۳۳ روزه لبنان، مقاومت خونین و سرافرازانه فلسطینیان در غزه، از جمله نمونه‌های گویا و روشنی است که اعتبار گزاره اشاره شده را تأیید می‌کند. بر این اساس، گرایش، باورمندی و تعهد به ایثار و شهادت از نیازهای حیاتی جامعه اسلامی و جهان اجتماعی است. از طرف دیگر، فقدان یا کمبود تعلق و پایبندی به ایثار و شهادت در عرصه‌های مختلف می‌تواند در شکل‌گیری و گسترش مظاهر فساد و تیره‌بختی از جمله فقر، تبعیض، ظلم، ذلت و حقارت اجتماعی تأثیرگذار باشد (جناب‌علیزاده، ۱۳۸۸: ۱۱۲). شهادت یعنی فدا کردن جان خویش در راه ارزش‌های الهی و دستیابی به حیات ابدی است. به همین دلیل اگر کسی فاقد مایه‌های معنوی باشد، شهادت‌طلبی او معنایی نخواهد داشت. این خداباوری و معاد اندیشی است که به شهادت معنا می‌دهد و از آنجا که در این نوع جهان‌بینی، شهید به حیاتی والا تر و لایزال می‌رسد، جان‌نثارش معقول است؛ وگرنه عقلانی نیست که کسی برای دستیابی به رفاه و زندگی دنیایی

خود یا دیگران، از جان خویش درگذرد (مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۵: ۵).

انسان از آغاز تا پایان زندگی خود به‌طور فطری به ارزش‌های اخلاقی گرایش دارد و شخصیت وی همواره با معیار فضایل و رذایل اخلاقی محک می‌خورد و هرکس در این سنجش به امتیاز بالاتری دست یابد، در خاطر مردمان و نزد خدای خود جایگاهی رفیع و ارزشمند خواهد داشت (دیلمی و همکاران، ۱۳۸۳: ۵). از جمله این ارزش‌های اخلاقی، ایثار و شهادت و یا به‌صورت گسترده، فرهنگ ایثار و شهادت است که از مؤلفه‌ها و ارزش‌های ادیان الهی می‌باشد و در دین اسلام هم به‌صورت مؤکد بر این فرهنگ غنی تأکید شده است؛ چون یکی از محورهایی که نشان‌دهنده این است که ارزش‌های اسلامی در جامعه پایدار است و انحرافی در آن‌ها حاصل نگردیده، همین فرهنگ ناب ایثار و شهادت است.

فرهنگ ایثار و شهادت در دامن خود انسان‌هایی را پرورش داده که دارای خصوصیات و روحیات والا و متعالی هستند. داشتن همت بزرگ، برخوردار بودن از روح بزرگ، عزت نفس و روحیه قوی، بزرگواری و بزرگ‌منشی، زهدگرایی و عدم دل‌بستگی به دنیا و... از مهم‌ترین خصوصیات انسان‌های تربیت‌یافته در فرهنگ ایثار و شهادت است (سید علی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

برای شکل‌گیری فرهنگ ناب ایثار و شهادت به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی نیاز است، چون بدون وجود مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها نمی‌توان انتظار شکل‌گیری فرهنگ نابی چون ایثار و شهادت را داشت. در قرآن کریم و روایات معصومین و بزرگان دینی، به‌صورت مؤکد بر این مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها تأکید شده است و هر یک از این موارد، جامعه را به توجه به این مؤلفه‌ها توصیه کرده است؛ چون فقدان این مؤلفه‌ها در جامعه، یعنی از بین رفتن فرهنگ ایثار و شهادت و نابودی فرهنگ ایثار و شهادت، یعنی تزلزل و در آخر نابودی مکتب اسلامی. در مقالات و کتاب‌های مختلف به مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ ایثار و شهادت توجه شده است، ولی در رابطه با مؤلفه‌های ایثار و شهادت از منظر شهید مطهری، پژوهشی صورت نگرفته و نویسنده درصدد است که پژوهشی تحت عنوان مؤلفه‌های ایثار و شهادت از منظر شهید مطهری را مورد بررسی قرار دهد؛ البته نویسنده در پژوهش حاضر، مواردی از این مؤلفه‌ها را

مورد بررسی قرار می‌دهد و پژوهش در رابطه با موارد دیگر را، به مقاله‌ای دیگر موکول می‌کند. هدفی که نویسنده از پژوهش حاضر دارد این است که فرهنگ ناب ایثار و شهادت در جامعه فراگیرتر شود و در جامعه به مؤلفه‌های اصیل اسلامی توجه گردد تا این فرهنگ دچار آسیب نشود و سؤالی که نویسنده درصدد پاسخ‌دهی به آن است این که، مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت از منظر شهید مطهری کدامند؟ نویسنده درصدد است که با استفاده از مدل محقق ساخته در رابطه با فرهنگ ایثار و شهادت و با استفاده از روش اسنادی، به پاسخ این سؤال پردازد.

الف. مفاهیم و مبانی نظری

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم ایثار

ایثار در لغت به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خود مقدم داشتن و مانند آن است. به عبارتی، به معنای از خود گذشتن و ترجیح و برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است و در اصطلاح عبارت است از: بخشش مال به کسی، با وجود نیاز به آن (فهیمی، ۱۳۸۷: ۵۴۲).

شهید مطهری در رابطه با مفهوم ایثار می‌فرماید:

ایثار یک اصل قرآنی است. ایثار یعنی گذشت، یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود در آنچه مال خود انسان است و به آن کمال احتیاج را دارد و در عین کمال احتیاج، دیگری را بر خود مقدم می‌دارد. ایثار یکی از باشکوه‌ترین مظاهر انسانیت است و قرآن، عجیب ایثار را ستوده است (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

۱-۲. مفهوم شهادت

شهید و شهادت از ماده «ش ه د» اخذ گردیده است. شهید در لغت، معانی متعددی دارد. مصدر شهادت به معنای حضور، علم به امور ظاهری، شهادت دادن، خبر قاطع دادن و مشاهده نمودن است. شهید کسی است که در راه خدا کشته می‌شود و یا مجاهدی است که در طریق حق جان می‌سپارد (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۷). در اسلام،

کشته شدن آگاهانه و انتخاب گرایانه در راه آرمانی مقدس و پاک، که به تعبیر قرآن کریم «فی سبیل الله» نامیده می‌شود، شهادت نام دارد و کسی که به چنین مقامی دست می‌یابد، شهید است. البته پذیرفتن مرگ، هنگامی ارزشمند است و قداست دارد که از سویی آگاهانه باشد و از سوی دیگر، رضایت و خشنودی خداوند را در پی داشته باشد (نیری، ۱۳۸۴: ۲۱).

شهید مطهری در رابطه با مفهوم شهادت می‌فرماید:

مرگی شهادت است که انسان با توجه به خطرات احتمالی یا ظنی یا یقینی، فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله»، از آن استقبال می‌کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله باشد. هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که، آگاهانه صورت گرفته باشد (مطهری ۱۳۸۷: ۷۱).

از منظر شهید مطهری، منطق شهید، منطق سوختن و روشن کردن است، منطق حل شدن و جذب شدن در جامعه برای احیای جامعه است، منطق دمیدن روح به اندام مرده ارزش‌های انسانی است، منطق حماسه‌آفرینی است، منطق دورنگری، بلکه بسیار دورنگری است (مطهری، ۱۳۸۷: ۸۷).

۲. مبانی نظری: شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت

هر مکتب و آئینی و هر ملت و قومی دارای فرهنگ ویژه‌ای است، فرهنگی که بیانگر معیارها و ارزش‌ها و ضابطه‌ها و زاویه‌ها و نمایشگر کارمایه و میناها است که بدون فهم الفبای آن فرهنگ، درک و تفسیر و تبیین برنامه و قوانین مکاتب و ملل میسر نیست.

هر فرهنگی برخاسته از جهان‌بینی خاصی است که الگوها و تشخیص‌ها و معیارها و میناها و برداشت‌ها و ادراک‌هایش در رابطه با آن جهان‌بینی تحلیل و جمع‌بندی می‌شود. یعنی همه این‌ها بر اساس هویت و خواستگاه و هدف کلی آن جهان‌بینی خواهد بود (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۳). در رابطه با فرهنگ اسلامی هم، وضع به همین صورت است، یعنی ارزش‌هایی که در جامعه اسلامی مطرح است، برخاسته از فرهنگ اسلامی می‌باشد. مثلاً ایثار و شهادت را در نظر بگیرید که از طریق ارزش‌های اسلامی مستقر

در جامعه شکل می‌گیرد و تا زمانی که ارزش‌ها و محورهای اسلامی در جامعه حاکم نباشد، نمی‌توان انتظار شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت را در جامعه داشت. زمینه‌های شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت که یکی از ابعاد اصلی جهاد و مبارزه علیه باطل است به صدر اسلام برمی‌گردد. اما این فرهنگ در زمان‌های مختلف فراز و فرودهایی داشته است. ابتدای شکل‌گیری آن را، اگر همان ابتدای درخشش اسلام در نظر بگیریم، بعد از یک فراز در طی جنگ‌های پیامبر ﷺ و بعد از آن، جنگ‌های حضرت علی ﷺ با فرودی کوتاه‌مدت مواجه شد. اما نقطه اوج و تاریخی‌ترین لحظات این فرهنگ ناب، همان عاشورای سال ۶۱ هجری می‌باشد که در واقع، این فرهنگ رسمیت یافت و نهادینه شد و تا الان ادامه دارد. (غفاری هاشجین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵) مؤلفه‌ها و شاخص‌های شکل‌گرفته در اسلام، در اوایل توسط پیغمبر خاتم گسترش داده شد؛ ولی در سال ۶۱ هجری در زمان امام حسین ﷺ، این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در حالت کم‌رنگ شدن بودند که با ایثار و فداکاری امام حسین ﷺ، از این انحرافات جلوگیری به عمل آمد. وقتی در این بحث، ایثار و شهادت مطرح می‌شود، منظور فرهنگ سیاسی تشیع با محوریت شهادت اباعبدالله الحسین ﷺ است. جامعه امروز، نیازمند گسترش فرهنگ ایثار و شهادت است. آنچه باعث بقای اسلام و نظام اسلامی است، فرهنگ ایثار و شهادت می‌باشد. شهادت به معنای کشته شدن در راه خداوند، در دین و فرهنگ اسلامی، به‌ویژه فرهنگ شیعه، جایگاه بلندی دارد و این فرهنگ برگرفته از فرهنگ عاشورا بوده است که باید به آن توجه گسترده‌ای شود (صفری، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

با این وصف، برای این که فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه شکل بگیرد، نیاز به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی هست که این مؤلفه و شاخصه‌ها، از ارزش‌های اسلامی و فرهنگ سیاسی تشیع برگرفته می‌شود. بیشتر این ارزش‌ها، از سه مبنا در اسلام تحت عنوان توحید و معاد و عدل حاصل می‌شود، یعنی فردی که از جان خود گذشت می‌کند تا جامعه به ایده‌آل برسد، بیشتر از این سه مبنا سرچشمه گرفته است. فرد با اعتقادی که به وحدانیت خدا دارد و با توجه به اعتماد و باوری که به خدا دارد و از این نظر که به وعده‌های الهی اعتماد دارد و از طرف دیگر، با توجه به اعتقادی که به معاد

و بازگشت مردگان و زنده شدن آن‌ها و مقام شهید و جان‌بازی و امثالهم دارد، خود را مقید به عملی کردن این فریضه می‌داند و وقتی این امر و این نوع دیدگاه در جامعه عملی شد، شاهد شکل‌گیری فرهنگی ناب در جامعه تحت عنوان فرهنگ ایثار و شهادت خواهیم شد. پس فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه را می‌توان با محوریت توحید و معاد و عدل ترسیم کرد و نشان داد که این سه محور از خود، مؤلفه‌هایی را در جامعه تزریق می‌کنند تحت عنوان مؤلفه‌های اسلامی که در صورت توجه و پذیرش عمومی آن در جامعه فرهنگی به بار خواهد آمد، که نام این فرهنگ ایثار و شهادت است.

موضوع بعدی این‌که، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بدون ایدئولوژی مشروعیت‌بخش غیرممکن است و نقش ایدئولوژی‌ها در اشاعه آن، زمانی که سخن از نهادینه‌سازی این فرهنگ می‌شود بیشتر آشکار می‌گردد. مطابق با ایدئولوژی اسلامی، اوج تجلی رفتار ایثارگرایانه جایی است که انسان از عزیزترین کالای خود که جان اوست درگذرد، مثل امام حسین علیه السلام که جان و مال و خانواده خود را در راه اسلام گذاشت و در آخر با شهادت خودش مؤلفه‌های اسلامی را در جامعه جانی تازه داد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۱۹). بدین ترتیب، نویسنده سه محور اصول دین تحت عنوان توحید و معاد و عدل را در نظر می‌گیرد که شکل‌دهنده مؤلفه‌های اسلامی هستند و این مؤلفه‌ها، باعث شکل‌گیری فرهنگ‌هایی چون فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه می‌شود.

البته شاید برای خواننده این تصور پیش آید که چرا نویسنده سه اصل از اصول دین را در رابطه با شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت مورد بررسی قرار داده و به دو اصل امامت و نبوت، نپرداخته است. جواب این‌که، سه اصل توحید، عدل و معاد عامل شکل‌دهنده به فرهنگ ایثار و شهادت هستند، درحالی‌که دو اصل نبوت و امامت اصولی هستند که فرهنگ ایثار و شهادت را در جامعه گسترش داده‌اند و به عبارتی، نقش گسترش‌دهنده داشته‌اند.

به همین خاطر، در این بحث هم که به عوامل شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت پرداخته خواهد شد، نویسنده سه اصل اول را مورد توجه قرار داده است. اصل توحید،

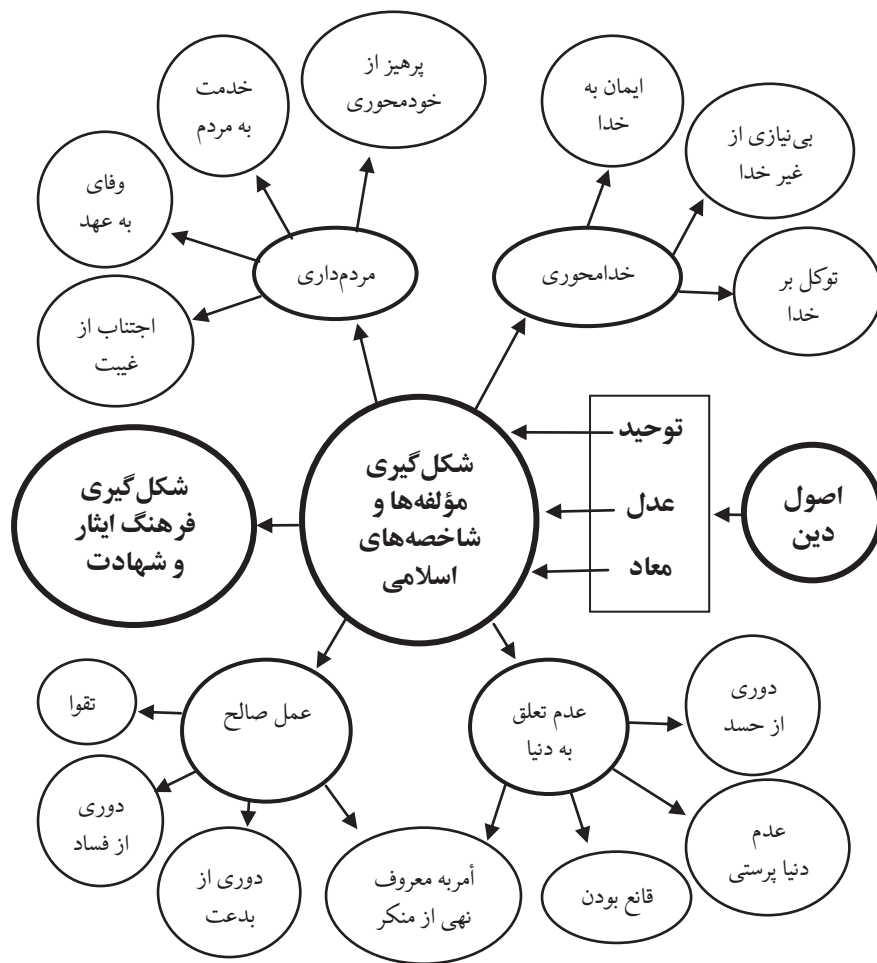
در شکل‌گیری مؤلفه‌هایی چون خدامحوری و شاخص‌های آن و موارد دیگری همچون آن‌ها نقش اساسی دارد و به عبارتی، با استناد به این مؤلفه است که عمده مؤلفه‌ها شکل می‌گیرد و در رابطه با اصل معاد هم، وضع به این شکل است. یعنی با توجه به آخرت‌گرایی و زندگی پس از مرگ است که ایثار و شهادت مفهوم پیدا می‌کند. مؤلفه‌هایی چون عدم تعلق به دنیا و عمل صالح و مواردی از این قبیل، از این اصل حاصل می‌شود و اصل دیگر عدل است، که محور حکومت شیعه بر اساس آن است. مثل حکومت امام علی علیه السلام که عدالت را در رأس امور قرار می‌داد؛ چون بدون وجود چنین اصلی نباید انتظار داشت که فرهنگ نابی چون ایثار و شهادت در جامعه شکل گیرد و مؤلفه‌هایی چون عزت‌نفس و مبارزه با ظلم به‌نوعی حاصل از این اصل است. مجموع این سه اصل است که باعث شکل‌گیری مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت و در نهایت، باعث استقرار فرهنگ ناب ایثار و شهادت می‌گردد.

در مدل حاضر، نویسنده در مرحله اول سه اصل توحید و عدل و معاد در اسلام را مطرح کرده است و بعد مؤلفه‌هایی را نشان داده که از این سه اصل، تحت عنوان مؤلفه‌های اسلامی به وجود آمده‌اند و بعد، شاخص‌هایی که از این مؤلفه‌ها منتشر می‌شود تحت عنوان شاخصه‌های اسلامی و بعد، به این نکته اشاره می‌کند که جمع همه این مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها، آن است که فرهنگ ناب ایثار و شهادت را در جامعه موجب می‌شود.

در رابطه با تناسب بحث با عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام به بیانات شهید مطهری استناد می‌شود که ایشان می‌فرمایند:

لازم است ما از خود سؤال بکنیم که چه رابطه‌ای میان حسین بن علی علیه السلام و نیرو گرفتن اسلام و زنده شدن اصول و فروع دین وجود دارد؟ زیرا می‌دانیم صرف این که خونی ریخته شود، منشأ این امور نمی‌شود. بنابراین، میان قیام و نهضت و شهادت حسین بن علی علیه السلام و این آثاری که ما می‌گوئیم و مدعی آن هستیم و واقعاً تاریخ هم نشان می‌دهد که حقیقت دارد، چه رابطه‌ای وجود دارد؟ شهادت حسین بن علی علیه السلام حیات تازه‌ای در اسلام دمید، اثر و خاصیت یک‌سخن یا تاریخچه و یا شخصیت حماسی این است که در روح موج به وجود می‌آورد، حمیت و غیرت به وجود می‌آورد،

شجاعت و صلابت به وجود می‌آورد. در بدن‌ها، خون‌ها را به حرکت و جوشش در می‌آورد و تن‌ها را از رخوت و سستی خارج می‌کند، و آن‌ها را چابک و چالاک می‌نماید. چه بسیار خون‌ها در محیط‌هایی ریخته می‌شود که چون فقط جنبه خون‌ریزی دارد، اثرش مرعوبیت مردم است، اثرش این است که از نیروی مردم و ملت می‌کاهد و نفس‌ها بیشتر در سینه‌ها حبس می‌شود. در مقابل، یک سلسله پدیده‌های اجتماعی است که به اجتماع صفا می‌دهد و جرأت و شهامت می‌دهد. بعد از شهادت امام حسین علیه السلام یک چنین حالتی به وجود آمد، یک رونقی در اسلام پیدا شد (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۶۲).



شکل ۱: ترسیم مدل نظری محقق‌ساخته در تناسب با فرهنگ ایثار و

شهادت

در این پژوهش و مدلی که ساخته محقق است، وقتی بحث از مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ ایثار و شهادت توسط شهید مطهری می‌شود، با توجه به رونقی است که امام حسین علیه السلام در اسلام به وجود آورده، چون یکی از این رونق‌ها این بود که جان تازه‌ای به فرهنگ ایثار و شهادت بخشید و به مؤلفه‌هایی که زمینه‌های شکل‌گیری این فرهنگ ناب را در پی دارد، جان تازه‌ای بخشید و آنها را از انحراف مصون داشت. در این پژوهش، نویسنده درصدد است که با استفاده از مدل محقق‌ساخته، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که در شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت با توجه به فرهنگ عاشورا، از منظر شهید مطهری تأثیر دارند و یا به‌نوعی، فرهنگ ایثار و شهادت با استناد به این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها شکل می‌گیرد را، با روش اسنادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ البته در این پژوهش، به همه مؤلفه‌ها اشاره نمی‌گردد و به مواردی چندگانه به‌صورت مبسوط اشاره می‌گردد.

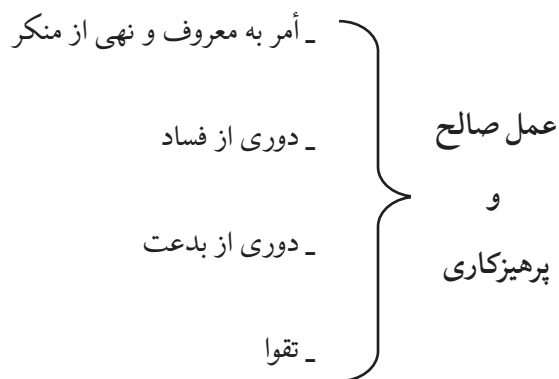
ب. مؤلفه‌ها و شاخصه‌های فرهنگ ایثار و شهادت

برای شکل‌گیری فرهنگ ناب ایثار و شهادت، نیاز به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که این شاخصه‌ها از مبانی اسلامی ریشه می‌گیرند. در پژوهش حاضر، به مواردی از این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها با تمرکز بر بیانات شهید مطهری به‌صورت مبسوط پرداخته می‌شود:

۱. مؤلفه عمل صالح و پرهیزکاری

اعمال و رفتارهایی در طول زندگی از انسان سر می‌زند، هرگاه این اعمال و رفتارها بر اساس موازین و قوانین الهی و ضوابط معقول و سالم بشری باشد، در قاموس دین اسلام و فرهنگ قرآنی با عنوان اعمال صالح یاد می‌شوند. لذا، قرآن کریم و در ادامه، پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام همگان را به انجام این اعمال که باعث تعالی و بالندگی و زیبایی و صفای زندگی می‌شود، سفارش و تأکید می‌کنند و از رفتارهای ضدونقیض و

مخالف آن که موجب سقوط می‌شوند، نهی می‌کنند. بنابراین، عمل صالح همه رفتارهای نیکو، شرعی و عبادات واجب و مستحب را شامل می‌شود که بخشی از عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و معنوی را تشکیل می‌دهند (خدایار، ۱۳۹۳، ۱۶). شاخص‌های مؤلفه عمل صالح و پرهیزکاری از این قرار است:



۱.۱. امر به معروف و نهی از منکر

ازجمله مهم‌ترین شاخص‌ها برای شکل‌گیری و استمرار فرهنگ ناب ایثار و شهادت در جوامع اسلامی، بحث امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از دستور دادن به انجام کارهایی که در نظر عقل و شرع، به‌خوبی و نیکویی شناخته شده باشند و بازداشتن از انجام کارهایی که، عقل یا شرع به بدی و ناروایی آن حکم می‌کنند (نگارش، ۱۳۸۶، ۱۱۱). امر به معروف و نهی از منکر از واجبات ضروری دین اسلام است و این فریضه به حدی مورد تأیید قرار گرفته، که سعادت جامعه را در گرو اجرای آن و ترک آن را، موجب گمراهی و شقاوت دانسته‌اند. امر به معروف و نهی از منکر از گستره زیادی برخوردار است و در تمام شئون زندگی انسان، قادر به دخالت می‌باشد (زنجانی و عنایتی، ۱۳۸۶، ۹).

شهید مطهری در رابطه با شاخصه امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر عامل اصلاح است. متروک شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ای، عامل فنا و اضمحلال و تباهی آن جامعه است (مطهری، ۱۳۷۶، ۳۲۱).

۱-۲. دوری از فساد

یکی دیگر از شاخص‌هایی که برای شکل‌گیری فرهنگ ناب ایشار و شهادت در جامعه لازم می‌باشد، دوری جامعه از فساد است. شهید مطهری این شاخص را با آوردن مثالی به این صورت توضیح می‌دهد:

نمونه عینی «فساد اخلاق» و شاهد زنده آن، «اندلس» اسلامی (اسپانیای فعلی) است که استعمار غرب با نقشه ترویج فساد جنسی در آن سرزمین، جوانان مسلمان را ابتدا در بُعد اخلاق و سپس اراده و اندیشه، به تباهی کشاند و در نتیجه، عنصر مقاومت و ایستادگی در برابر غارتگران جهانی را در میان ملت مسلمان اندلس، تضعیف و راه را برای جدا ساختن این عضو زنده و کارآمد از بیکر تمدن اسلامی هموار ساخت. آیت‌الله مطهری در این باره می‌گوید: «همین که خوب اخلاق مسلمین را فاسد کردند، هجوم آوردند و قتل‌عامی از مسلمین کردند که گوستاو لوبون فرانسوی می‌گوید چنین فاجعه‌ای دنیا به خودش ندیده است» (مطهری، ۱۳۷۶، ۳۱۷).

بدین ترتیب، یکی از محورهایی که فرهنگ ایشار و شهادت را تهدید می‌کند، رسوخ فساد در ابعاد فردی و اجتماعی جوامع است و راه کار در قبال آن، دوری از فساد است.

۱-۳. دوری از بدعت

شاخص دیگری که در فرآیند شکل‌گیری فرهنگ ایشار و شهادت نقش دارد، دوری از بدعت است. در تاریخ اسلام، اصطلاح بدعت از پربسامدترین اصطلاحاتی بوده است که گروه‌های مختلف مسلمان، در ستایش و نکوهش رقیبان و مخالفان به کار گرفته‌اند (مهریانی، ۱۳۹۲، ۱۷۸). بدعت در شرع، از نظر اصطلاح فقها به نوآوری گفته می‌شود که در شریعت نباشد، اعم از این که نوآوری در فعل یا کلام و عقیده باشد. پس بر هر نوع اندیشه نو، فعل نو و کلام نو که در شریعت نیست و وارد شریعت شود و به این عبارت بیان شود که خداوند فرموده است، بدعت اطلاق می‌شود (سبحانی، ۱۳۹۳، ۴۸).

شهید مطهری به شاخص دوری از بدعت توجه داشته و در رابطه با آن می‌فرماید: نوآوری در غیر امر دین عیبی ندارد. یک کسی در شعر می‌خواهد نوآور باشد، یا

در هنر می خواهد نوآور باشد، این مانعی ندارد؛ ولی در دین، نوآوری معنی ندارد، چون آورنده دین ما نیستیم. نوآوری یا بدعت یعنی کسی بیاید چیزی را که جزء دین نیست، به نام دین وارد دین بکند، به طوری که مردم خیال کنند این جزء دین است. عکسش هم هست، چیزی را که جزء دین است کاری بکند که مردم خیال کنند این جزء دین نیست (دژاکام، ۱۳۸۰، ۱۱۸).

۱-۴. تقوا

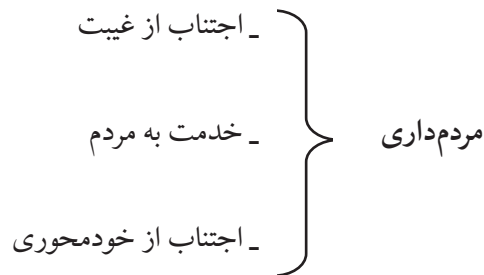
شاخص تقوا و دوری از مسائلی که خدا انسان را از آنها منع کرده است، یکی دیگر از محورهای شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه می‌باشد. تقوا، سپری بولادین در مقابل جنود جهل و شیطان و شالوده اسلام است، انسان را در همه جهات انسانی سوق می‌دهد و به کمال سعادت می‌رساند. مقدمه همه عروج‌ها، شهادت‌ها و وصلت‌هاست و مایه برتری انسان بر دیگران می‌شود (زمانپور، ۱۳۷۸، ۵).

شهید مطهری، در رابطه با تقوا به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی در اسلام می‌نویسد:

لازمه خروج انسان از زندگی حیوانی به یک زندگی انسانی این است که، از اصول معین و مشخصی پیروی کند؛ البته لازمه پیروی از اصول معین و مشخص این است که خود را در چارچوب همان اصول محدود کرده و از حدود آنها تجاوز نکند، به تعبیری آنجا که هوا و هوس‌های آنی او را تحریک می‌کند که از حدود خود تجاوز کند، می‌بایست خود را نگهداری نماید. نام این خود نگهداری که مستلزم ترک برخی از افعال و گفتار است، تقوا می‌باشد. نباید تصور کرد که تقوا از مختصات دین‌داری است از قبیل نماز و روزه، بلکه تقوا لازمه انسانیت است (مطهری، ۱۳۸۹، ۷۱).

۲. مؤلفه مردم‌داری

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که برای شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت در جوامع اسلامی نقش اساسی را ایفا می‌کند، مؤلفه مردم‌داری است، که خود این مقوله دارای شاخص‌هایی است که از این قرارند:



۱-۲. اجتناب از غیبت

دوری از غیبت، از شاخص‌های دیگری است که در فرآیند شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت نقش دارد. برای حفظ سلامتی و صلح در معاشرت، ضرورت دارد از بعضی رذایل اخلاقی، که آفت و آسیب جدی سبک زندگی اسلامی می‌باشد، به شدت دوری و خودداری کنیم. از جمله این زشتی‌های اخلاقی و رفتاری که در قرآن و روایات مؤکداً بر آن تأکید شده، بحث غیبت است (خدایار، ۱۳۹۳، ۳۳).

شهید مطهری در رابطه با شاخص غیبت می‌فرماید:

یک آدم شریف، یک آدم قوی، یک آدمی که در روح خودش احساس عزت و قدرت و قوت و شرف می‌کند، همان عزت و شرفش اجازه نمی‌دهد کاری چنین پست را، یعنی پشت سر مردم غیبت و بدگویی کند. آدم‌های ضعیف، زبون، ذلیل، عاجز و ناتوان هستند که وقت خود را به غیبت کردن می‌گذرانند و پشت سر این و آن بد می‌گویند. غیبت ناشی از عجز است (مطهری، ۱۳۸۱، ۲۳۷).

۲-۲. خدمت به مردم

از شاخص‌های دیگر که در فرآیند شکل‌گیری ایثار و شهادت نقش اساسی دارد، شاخصه خدمت به خلق است. انسان، موجودی اجتماعی است و برای همزیستی مسالمت‌آمیز ناگزیر به ارتباط با دیگران است. توسعه هرچه بهتر روابط صحیح اجتماعی افراد یک جامعه، بستگی به ارائه تربیت اجتماعی بر پایه فرهنگ آن جامعه

دارد. از آنجا که فرهنگ جامعه ما اسلامی است، بر پیروان این مکتب لازم است که به شناسایی نحوه معاشرت مطلوب افراد با دیگران که منطبق بر موازین اسلامی است، اقدام کنند. از این رو، معصومین علیهم السلام بهترین الگوی تربیتی بوده و ارائه سیره تربیتی آنان، یک ضرورت انکارناپذیر است (نقی زاده و قاضی زاده، ۱۳۹۴، ۸۱).

شهید مطهری در رابطه با ارزش خدمت به مردم می فرماید:

ایمان، مقدمه خدمت به خلق نیست، عبادت مقدمه خدمت به خلق نیست، برعکس است، خدمت به خلق مقدمه ایمان است، خدمت به خلق مقدمه عبادت است، خدمت به خلق مقدمه عاقل شدن است، خدمت به خلق مقدمه سایر ارزش های انسانی است، یعنی ما باید به خلق خدمت کنیم تا آن ها را در مسیر ایمان بیندازیم، تا آن ها را در مسیر خداپرستی بیندازیم، تا آن ها را در مسیر سایر ارزش ها بیندازیم. یکی از ارزش های قاطع و مسلم، که اسلام آن را صددرصد تأیید می کند و واقعاً ارزشی انسانی است، خدمتگزار خلق خدا بودن است (مطهری، ۱۳۶۷، ۳۸).

۲-۳. اجتناب از خودمحوری

از دیگر شاخص هایی که در فرآیند شکل گیری فرهنگ ناب ایثار و شهادت باید به آن توجه داشت، اجتناب از خودمحوری است. شهید مطهری در رابطه با این شاخص می فرماید:

«لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرِي عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرِي لَهُ حَقٌّ»، له هیچ کس قرار داده نشده، مگر آنکه علیه او نیز قرار داده شده و علیه هیچ کس قرار داده نشده، مگر آنکه له او نیز قرار داده شده، حقوق مردم بر مردم یک طرفی نیست، متبادل است. اگر کسی بر کسی حقی دارد، معادل آن هم حقی از آن طرف بر عهده او هست. هرکس به هر اندازه از اجتماع طلبکار است و اجتماع را در برابر خود موظف می داند، به همان نسبت، مدیون اجتماع است. حق و تکلیف دوش به دوش یکدیگرند. این طور نیست که همه حق ها را به بعضی داده باشند و همه تکلیف ها را بر دوش بعضی دیگر گذاشته باشند. «حق» بهره است و «تکلیف» زحمت و کار و مشقت. هرکس که از اجتماع بهره ای می برد، باید به همان نسبت متحمل زحمت و به دوش کشیدن بار اجتماع باشد (مطهری، ۱۳۸۵، ۱۰۲).

۲-۴. وفای به عهد

از دیگر شاخص‌هایی که برای شکل‌گیری فرآیند فرهنگ ناب ایثار و شهادت در اسلام و روایات به آن تأکید وافر شده، وفای به عهد است. شهید مطهری در رابطه با وفای عهد در اسلام می‌فرماید:

در مسئلهٔ پیمان، یک بیانی هست در نهج‌البلاغه که باید آن را برای شما بخوانم تا ببینید که از نظر علی علیه السلام، مسئلهٔ وفای به پیمان، یک مسئلهٔ عمومی و انسانی است.

در فرمان معروفی که به فرماندار خودش و به مقیاس امروز، به استاندار خودش، مالک اشتر می‌نویسد، یکی از دستورهایش این است که مبادا با مردمی عهد و پیمان برقرار کنی و بعد هر جا که دیدی منفعت این است که عهد و پیمان را نقض کنی، آن را نقض نمایی. بعد، حضرت استناد می‌کند به جنبهٔ عمومی و بشری عهد و پیمان که، اگر بنا بشود پیمان در میان بشر احترام نداشته باشد، دیگر سنگ روی سنگ نمی‌ایستد.

عبارت این است: «وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ عَهْدُكَ بِاللُّوفَاءِ» اگر با دشمن خود پیمان بستی یا آنها را با شرایط ذمه قبول کردی، به پیمانت وفادار باش «وَإِزَعِ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيتَ» عهدهٔ خودت را که پیمان بستی به امانت رعایت کن و خودت را سپر قولی که داده‌ای قرار بده (مطهری، ۱۳۸۱، ۲۳۸).

۳. عدم تعلق به دنیا

از شاخص‌های دیگری که فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه را به وجود می‌آورد و در ماندگاری آن تأثیر قابل توجهی دارد، عدم تعلق به دنیا است. علاقه نشان ندادن به دنیا و زرق و برق آن، در کسی پدید می‌آید که باور کند دنیا و تعلقات آن پوچ و بی‌ارزش است و آنچه نزد خدا است، اصیل و ماندنی و دارای ارزش است (مصباح، ۱۳۹۱، ۱۴).

شاخص‌های عدم تعلق به دنیا عبارت‌اند از:

- عدم دنیاپرستی
 - قانع بودن
 - دوری از حسد

عدم تعلق
به دنیا

۳-۱. عدم دنیاپرستی

از عوامل شکست و ناکامی در عرصه جهاد و دفاع، وابستگی به جهان مادی و دنیا دوستی است. از نظر قرآن کریم، دنیا دوستی و دل خوش کردن به حیات دنیا، شوق به جهاد و دفاع را در دل می میراند، آدمی را به کندی و سنگینی وامی دارد و از رفتن به مصاف با دشمن منصرف می سازد (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۰، ۱۶۰).

شهید مطهری، هم بر عدم دنیاپرستی به عنوان یکی از شاخص های شکل گیری فرهنگ ایثار و شهادت که در مقاله حاضر مدنظر است توجه کرده و در این رابطه، با ارائه داستانی به این صورت بیان کرده است:

در اسلام، رابطه انسان با طبیعت، رابطه کشاورز با مزرعه، رابطه بازرگان است با بازار تجارت، رابطه عابد است با معبود برای کشاورز، مزرعه هدف نیست ولی وسیله هست، یعنی محل زندگی و کانون زندگی کشاورز، شهر است؛ اما از این مزرعه است که وسایل خوشی و سعادتش را به دست می آورد. یک کشاورز باید به مزرعه برود و زمین را شخم بزند، بذر بپاشد و زمین را آباد کند. بعد که محصول روید، اگر علف هرزه ای پیدا شد، وجین کند و بعد درو و سپس خرمن کند. کلام پیامبر است: «الدنيا مرزعة الاخرة» دنیا کشتزار عالم آخرت است. بله، اگر کشاورز مزرعه را با خانه و مقر خود اشتباه کند، خطا کرده است. مزرعه را به عنوان مزرعه بودن، نباید با چیز دیگری اشتباه کند. بازار برای یک بازرگان، جای کار است که سرمایه و عمل و تلاشی را برای سود و درآمد بیشتری به کار اندازد و بر آنچه دارد بیفزاید. دنیا هم برای انسان چنین چیزی است (مطهری، ۱۳۸۶، ۱۷۷).

۲-۳. قانع بودن

در ادبیات عرب، قناعت به مفهوم راضی شدن به مقدار اندکی از بخشش و رضایت دادن به سهم خویش، به کار می‌رود. در منابع رایج اخلاق اسلامی، «قناعت» در مقابل حرص آمده و عبارت است از ملکه نفسانی که به موجب آن، انسان نیاز خود به اموال را، محدود می‌کند و خود را در مشقت و تلاش برای تحصیل مقدار بیشتر از آن نمی‌اندازد. قناعت، خود آثار فراوانی را به دنبال دارد و از سوی دیگر، موجب پیش‌گیری از بسیاری رذایل اخلاقی می‌گردد (دیلمی، ۱۳۸۳، ۱۱۷).

قناعت، یکی از فضایل مهم اخلاقی است که در تعالیم دینی بر آن تأکید فراوان شده است. شهید مطهری در رابطه با موضوع قانع بودن با ذکر عبارتی از امام علی علیه السلام می‌فرماید:

يك نوع دیگر، بردگی و آزادی هست که مربوط به مال و ثروت است. تمام علمای اخلاق، بشر را از اینکه برده مال و بنده ثروت باشد برحذر داشته‌اند، تحت همین عنوان که ای انسان! بنده و برده مال دنیا نباش. باز جمله‌ای دارد علی علیه السلام، می‌فرماید: «الَّذِي دَاوَّ مَمْرًا لَا دَاوَّ مَقْرًا» دنیا برای بشر گذشتن‌گاه است نه قرارگاه. بعد می‌فرماید: «وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ» مردم در دنیا دو صنف می‌شوند: «رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فِيهَا فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا» مردم که در این بازار دنیا و گذشتن‌گاه دنیا می‌آیند دو دسته‌اند: بعضی می‌آیند خودشان را می‌فروشند، برده می‌کنند و می‌روند. بعضی دیگر می‌آیند خودشان را می‌خرند، آزاد می‌کنند و می‌روند (مطهری، ۱۳۸۸، ۲۸).

۱-۳. دوری از حسد

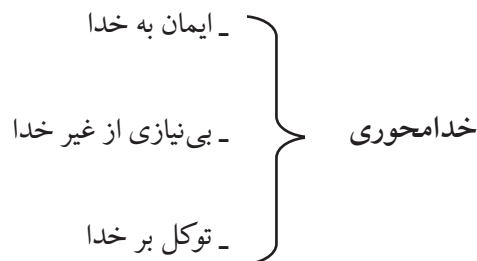
شاخص دیگری که در فرآیند شکل‌گیری و استمرار فرهنگ ایثار و شهادت، نقش تأثیرگذاری دارد و در مکتب اسلامی هم به این مهم اشاره گسترده‌ای شده، شاخص دوری از حسد است. حسد، آرزوی زوال نعمت از کسی است که سزاوار داشتن آن است. شخص حسود علاوه بر آرزوی قلبی، چه‌بسا در زوال و نابودی آن نعمت، اقدام می‌کند. یکی از گناهان خطرناک و کلیدی که گناهان متعددی را در پی دارد، حسد است. یکی از بیماری‌های اخلاقی که سلامت جسمی و روحی فرد را به خطر انداخته و موجب اختلال و برهم ریختگی امور عادی زندگی می‌شود، حسادت است.

حسادت، بحران روحی است که بیش از همه، خود حسود را آزار می‌دهد و تا حد عذاب، اضطراب دائم و به خطر افتادن سلامت جسمی نیز پیشرفت می‌کند. با توجه به این مشکلاتی که برای حسادت مطرح شد، بر فرد از لحاظ تعالیم دینی واجب است که از این امر دوری کند (مهدی پور، ۱۳۹۱، ۱۳۴). شاخص دیگری که زمینه‌های دوری از فرهنگ ایتار و شهادت را در جامعه فراهم می‌کند، همین مبحث حسد است که شهید مطهری در نقل داستانی در رابطه با این معضل اجتماعی چنین می‌فرماید:

داستان خیلی معروفی در کتب تاریخ نقل می‌کنند: در زمان یکی از خلفا، مرد ثروتمندی غلامی خرید. یک شب درد دل خود را با غلام در میان گذاشت و گفت: من حاضریم تو را آزاد کنم و این مقدار پول هم بدهم، فقط برای یک تقاضا. غلام گفت: هرچه تو بگویی اطاعت می‌کنم. مرد گفت پیشنهاد من این است که در یک موقع و جای خاصی که من دستور می‌دهم، سر مرا از بیخ ببر. غلام گفت: آخر چنین چیزی نمی‌شود. گفت: خیر، من از تو قول گرفتم و باید این کار را انجام دهی. نیمه شب غلام را بیدار کرد، کارد تیزی به او داد و باهم به پشت بام یکی از همسایه‌ها رفتند. در آنجا خوابید و گفت: همین جا سر من را ببر و هر جا که دلت می‌خواهد برو. غلام گفت: برای چه؟ گفت: برای اینکه من این همسایه را نمی‌توانم ببینم. مردن برای من از زندگی بهتر است. ما رقیب یکدیگر بودیم و او از من پیش افتاده و همه چیزش از من بهتر است. من دارم در آتش حسد می‌سوزم، می‌خواهم قتلی به پای او بیفتد و او را زندانی کنند. اگر چنین چیزی شود، من راحت شده‌ام. راحتی من فقط برای این است که می‌دانم اگر اینجا کشته شوم، فردا می‌گویند جنازه‌اش در پشت بام رقیبش پیدا شده، پس حتماً رقیبش او را کشته است، بعد رقیب مرا زندانی و سپس اعدام می‌کنند و مقصود من حاصل می‌شود! پس این یک حقیقتی است که واقعاً انسان به بیماری حسد مبتلا می‌شود (مطهری، ۲۲، ۱۳۸۶).

۴. مؤلفه خدامحوری

آخرین مؤلفه‌ای که در مقاله حاضر مدنظر است و نقش اساسی را در فرآیند شکل دهی به فرهنگ ایتار و شهادت بر عهده دارد، مؤلفه خدامحوری است. شاخص‌هایی برای این مؤلفه مطرح است که از این قرارند:



۴-۱. ایمان به خدا

در ساختار اخلاق اسلامی، ایمان به عنوان عالی ترین صفت نفسانی هدایت گر، مورد تأکید فراوان واقع شده و به همین دلیل، تحصیل مبادی و مقدمات آن همانند علم و یقین نیز، به شدت مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است و ابزارها و راه‌هایی که می‌تواند آدمی را به این صفات نفسانی ارزشمند برساند، همانند تفکر و خواطر و الهامات پسندیده، جایگاه ویژه‌ای در نظام اخلاقی اسلامی دارند (دیلمی و همکارش، ۱۳۸۳، ۶۵).

شهید مطهری به اصل ایمان داشتن به خدا به عنوان یکی از شاخص‌های اسلامی، توجهی خاص داشته و در این باره می‌فرماید:

انسان نمی‌تواند بدون داشتن ایمان و آرمان، زندگی سالم داشته باشد و یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت انجام دهد. انسان فاقد هرگونه ایمان، یا به صورت موجودی غرق در خودخواهی درمی‌آید که هیچ‌وقت از لاک منافع فردی خارج نمی‌شود و یا، به صورت موجودی سرگردان که تکلیف خویش را در زندگی در مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی‌داند (مطهری، ۱۳۶۹، ۳۳). از منظر آیت‌الله مطهری، ایمان به خدا با سه چیز تحقق پیدا می‌کند: اعتقاد قلبی، اقرار به زبان، و عمل با اعضا و جوارح (مطهری، ۱۳۸۰، ۳۷).

۴-۲. بی‌نیازی از غیر خدا

یکی از شاخص‌هایی که زمینه‌های شکل‌گیری فرهنگ ناب ایشار و شهادت را در

جامعه به وجود می‌آورد، شاخص بی‌نیازی از غیر خداست. شهید مطهری در رابطه با شاخص بی‌نیازی از غیر خدا می‌فرماید:

بدون شک، ما در زندگی خودمان احتیاج داریم به خوراک و هرچه بهتر، احتیاج داریم به پوشاک و هرچه عالی‌تر بهتر، احتیاج داریم به مسکن و هرچه مجلل‌تر بهتر. همین‌طور احتیاج داریم به زن و فرزند، احتیاج داریم به تجملات زیاد زندگی و به پول و مادیات علاقه‌مند هستیم. اما در یک جا ما سر یک دوراهی قرار می‌گیریم، احساس می‌کنیم که اینجا یا باید شرافت و عزت و سیادت و آقایی خودمان را حفظ کنیم، ولی با فقر بسازیم، نان بخوریم ولی نان خشک و خالی، لباس بپوشیم لباس ژنده، خانه داشته باشیم خانه تنگ و کوچک و محقر، پول نداشته و در مضیقه باشیم و یا از عزت و آقایی و سیادت خودمان صرف‌نظر کنیم، تن به یک ذلت بدهیم، تن به خدمت بدهیم، آن وقت تمام نعمت‌های مادی برای ما فراهم می‌شود. می‌بینیم بسیاری از افراد مردم اساساً حاضر نیستند تن به ذلت بدهند اگرچه به قیمت اینکه مادیات زندگی‌شان خیلی زیاد شود. البته بعضی‌ها حاضر می‌شوند، تن به این ذلت می‌دهند، ولی درعین حال همین آدم در عمق وجدانش، احساس یک سرشکستگی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸، ۲۵).

۴-۳. توکل بر خدا

توکل بر خدا از جمله شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت است. توکل از ماده «وکل» به معنای واگذار کردن یا واگذاشتن کار خویش به دیگری است و «توکیل» به صورت خاص، به معنای اعتماد کردن یا سپردن کارها به خداست. از نظر قرآن کریم، یکی از سرمایه‌های سعادت و موفقیت در انسان، همین مبحث توکل بر خداوند است. توکل به خدا، عامل مهمی در تقویت روح بشر است. در قرآن نیز، آیات زیادی وجود دارد که مردم را به توکل تشویق می‌کند. هر جا که قرآن نظر دارد که بشر را وادار به عمل کند و ترس‌ها و بیم‌ها را از انسان بگیرد، می‌فرماید ترس و توکل به خدا کن و در همه امور، تکیه‌ات به خدا باشد. توکل بر خداوند، نقش بسیار مؤثری در امور معنوی و تربیتی آدمی دارد و بی‌توجهی به این جنبه، می‌تواند آثار زیان‌باری در تربیت روحی و مادی او به دنبال داشته باشد (فقهی‌زاده و همکارانش، ۱۳۹۳، ۲).

شهید مطهری در رابطه با شاخص توکل بر خدا می‌فرماید:

توکل که خودش یک مفهوم اخلاقی تربیتی اسلامی است. اسلام می‌خواهد مردم مسلمان، متوکل بر خدا باشند. توکل در قرآن، یک مفهوم زنده کننده و حماسی است؛ یعنی هر جا که قرآن می‌خواهد بشر را وادار به عمل کند و ترس‌ها و بیم‌ها را از انسان بگیرد، می‌گوید ترس و توکل بر خدا کن، تکیه‌ات به خدا باشد (مطهری، ۱۳۸۱، ۵۸).

نتیجه‌گیری

ایثار و شهادت دو محور اساسی در فرهنگ اسلامی می‌باشد و آنچه باعث بقای اسلام و نظام اسلامی است فرهنگ ایثار و شهادت است. براساس این دو محور است که اسلام بر روی پایه‌های خود ایستاده و در قبال هر طوفانی ایستادگی می‌کند. در مقاله حاضر، در مرحله اول تعریفی از ایثار و شهادت با تمرکز بر اندیشه شهید مطهری ارائه شد و در مرحله بعد، با بررسی‌هایی که صورت گرفت، این نتیجه به دست آمد که برای شکل‌گیری و در ادامه، حفظ فرهنگ ناب ایثار و شهادت به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که برگرفته از مبانی و ارزش‌های اسلامی هست، نیاز است و بدون این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت غیرممکن می‌باشد. در مقاله حاضر، نویسنده درصدد برآمده تا به چند مؤلفه و شاخص‌های آن‌ها که در فرآیند شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت نقش اساسی داشتند، با تمرکز بر اندیشه شهید مطهری پرداخته شود. به عبارت دیگر، در این پژوهش سعی بر این شد که به این سؤال پژوهشی پاسخ داده شود که مؤلفه‌ها و شاخص‌های شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت در جوامع اسلامی از منظر شهید مطهری کدامند؟ و جوابی که در مقاله حاضر به آن دست‌یافته شد این که، برای شکل‌گیری فرهنگ ناب ایثار و شهادت در جامعه، نیاز به مؤلفه‌هایی است. اقسام این مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن زیاد بود و به همین دلیل، نویسنده درصدد برآمد که مؤلفه‌هایی چون مردم‌داری و خدامحوری و عدم تعلق به دنیا و عمل صالح و شاخصه‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد و مدلی که در ابتدای این بحث آورده شده، به نوعی مدلی است که فرآیند آن، شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت است. به عبارت دیگر، در ابتدای این مدل به سه اصل از اصول دین که به عنوان

اصول شکل دهنده مؤلفه‌ها هستند پرداخته شده و بعد در قسمت بعدی این مدل، به مؤلفه‌هایی که از این سه اصل حاصل می‌شود، پرداخته شده و در اولویت بعدی، شاخص‌های هر یک از این مدل‌ها مورد کنکاش قرار گرفته، که حاصل این فرآیند، باعث شکل‌گیری فرهنگ نابی چون فرهنگ ایثار و شهادت شده است.

پیشنهادات

- از جمله پیشنهادهای عملی که می‌تواند برای شکل‌گیری و استمرار فرهنگ ایثار و شهادت مؤثر واقع شوند، عبارتند از:
۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ ایثار و شهادت از منظر شهید مطهری در کتب درسی آورده شود.
 ۲. برگزاری همایش‌ها و اجلاس‌هایی با محوریت فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه شهید مطهری.
 ۳. استفاده از متخصصان مجرب در برنامه‌های صداوسیما به منظور ترویج مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت از منظر شهید مطهری.
 ۴. استفاده از مراسم‌های دینی و مذهبی مانند عاشورا و همچنین مکان‌های زیارتی و مذهبی مانند مناطق عملیاتی جنوب کشور برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، نبی‌الله، جایگاه مفهوم شهادت در داستان‌های جنگ (مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت)، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
۳. تقی‌زاده اکبری، علی، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، انتشارات مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰.
۴. جناب‌علیزاده، حیدر، چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۴، ۱۳۸۸.
۵. خدایار، دادخدا، تأثیر اعمال صالح در زندگی معنوی از دیدگاه قرآن، فصلنامه اخلاق پزشکی، شماره ۲۷، ۱۳۹۳.
۶. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم: انتشارات دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳.
۷. زمانپور، مجید، فرهنگ شهدا، انتشارات تندیس، ۱۳۷۸.

۸. زنجانی، عمید و عنایتی، لطفعلی، الگوی امنیت در جامعه اسلامی و سازوکار امر به معروف و نهی از منکر، ماهنامه نگارش راهبردی، شماره ۷۹-۸۰، ۱۳۸۶.
۹. سید علیپور، سید خلیل، جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در اسلام و دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها)، انتشارات نقش گستر، ۱۳۸۴.
۱۰. سبحانی، جعفر، بدعت از دیدگاه قرآن و حدیث، نشریه اُسوه، ۱۳۹۳.
۱۱. صفری، جلیل، تأثیر نقش فرهنگ ایثار و شهادت بر ارتقای معنوی بسیجیان، نشریه حصون، شماره ۲۷، ۱۳۸۹.
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۳. غفاری هاشجین، زاهد و دژگیر، مریم، نقش فرهنگ ایثار و شهادت به مثابه سرمایه اجتماعی در پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۵، ۱۳۹۲.
۱۴. غفاری هاشجین، زاهد و افضلیان سلامی، موسی، گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۹۰.
۱۵. فقهی زاده، عبدالهادی و دیگران، کارکردهای معنوی توکل به خدا در قرآن و روایات، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۰، ۱۳۹۳.
۱۶. فهیمی، محمدصادق، فرهنگ ایثار و شهادت و شاخص‌های آن (مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت)، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
۱۷. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (عج)، انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۱۸. _____، حماسه حسینی (جلد دوم)، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
۱۹. _____، حماسه حسینی (جلد اول)، انتشارات صدرا.
۲۰. _____، پانزده گفتار، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
۲۱. _____، تقوا، مجله دندانپزشکی جامعه اسلامی دندانپزشکان، شماره ۲، ۱۳۸۹.
۲۲. _____، انسان کامل، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.
۲۳. _____، احیای تفکر اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۲۴. _____، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.
۲۵. _____، آزادی معنوی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۲۶. _____، قیام و انقلابی مهدی (عج)، انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۲۷. _____، انسان و ایمان (جلد اول)، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
۲۸. _____، حکمت‌ها و اندرزها (جلد اول)، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵.
۲۹. مهدی پور، مهدی، حسد و آثار آن در زندگی، نشریه مبلغان، شماره ۱۵۵، ۱۳۹۱.
۳۰. مهربانی، امین، تطورشناسی واژه بدعت، پژوهشی در تأثیر قرآن و حدیث بر تکوین معناساختی و واژه‌ای از ادبیات دینی، نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۱، ۱۳۹۲.
۳۱. مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س)، انتشارات عروج، ۱۳۷۵.
۳۲. نعمتی پیر علی، دل‌آرا و طاهر، مهتری، غیبت و پیامدهای اجتماعی آن در تعالیم اسلامی، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۲، ۱۳۹۴.

۳۳. نیری، محمد یوسف و خیراندیش، سید مهدی، شهید و شهادت در عرفان اسلامی، فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۲، ۱۳۸۴.
۳۴. نقی زاده، حسن و قاضی زاده هاشمی، زهرا سادات، بررسی الگوی کیفیت معاشرت با مردم از منظر امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه، نشریه معرفت، شماره ۲۰۸، ۱۳۹۴.
۳۵. نگارش، حمید، شاخص های فرهنگ عاشورا، فصلنامه پیام، شماره ۸۶، ۱۳۸۶.
۳۶. نبوی، محمدحسن، عزت حسینی، نشریه مبلغان، شماره ۲۸، ۱۳۸۱.
۳۷. هاشمی، سید علی، راه کارهای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (مجموعه مقالات همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت)، انتشارات دانشگاه زنجان، ۱۳۸۹.
۳۸. هاشمی نجف آبادی، سید رضا، فرهنگ شهادت، انتشارات بنیاد شهید.

